

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد اهمیت و جایگاه زبان فارسی معتقدند که هرکس به معارف بشری علاقه‌مند باشد، باید برای زبان فارسی ارج و مرتبتی خاص قائل باشد، زیرا این زبان پرظرفیت، شیرین، رسا، و زیبا توانسته است بخش عظیمی از مناطق جغرافیایی جهان را تحت تسلط و سیطره معنوی خود درآورد و با نفوذ معنوی، کارایی، شیوایی و قدرت بلاغت خود در دل ملت‌ها جا باز کند و برای آنان فرهنگ، دین، معرفت و تمدن به ارمغان بیاورد. به نظر ایشان ارج و مقام دیگر زبان فارسی در این است که جایگاه مهم و وزینی در گسترش اسلام و تمدن اسلامی داشته است. این زبان دلنشین و به دور از خشونت است.

«برگرفته از مقاله «خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»

منشور فرهنگ قرآنی

منشور، کلمه دیرپا و دیرآشنایی است در زبان فارسی؛ اتفاقاً در معنایی که در زبان عربی هیچ‌وقت مورد استفاده نبوده و آن معنا عبارت از چیزهایی امثال اعلامیه، بیانیته و بخشنامه، و در سال‌های اخیرتر، شاید کمتر از یک قرن، نامه سرگشاده؛ که من این تعبیر را خیلی بیش از همه می‌پسندم. نامه سرگشاده که خود به خود این القا را دارد که صاحب نامه به مخاطبان نامه و کسانی که آن نامه را برای آنها در نظر گرفته و صادر کرده است، مسائل مهمی را که لازم می‌داند، در آن نامه سرگشاده مطرح می‌کند؛ و تأکید هست بر سرگشاده بودنش، در مقابل بسته بودن و مهر و موم بودن و منحصر بودن و محدود بودن به بعضی،

که دیگران از آن خبر پیدا نکنند. همه قرار است از آن خبر پیدا نکنند. منشور فرهنگ قرآنی. این پژوهش فرضیه‌ای دارد عبارت از اینکه در ۲۲ سوره پایانی قرآن، خداوند عزوجل، صاحب قرآن، همه پایه‌ها و اساس‌ها و به تعبیر دقیقی اصول به معنی راهبردهای مورد نظر خودش را به صورت جامع در این ۲۲ سوره تعبیه کرده است. به تعبیر دیگر می‌شود گفت که این فرضیه یا ادعا در این پژوهش مطرح است و در جریان این پژوهش سعی بر این است که آن اثبات بشود؛ در عین حال یک پژوهشی است از صفر تا صد تقدیر و اتفاقاً برای این انجام شده است که مورد نقد فراوان

کاربردی بعدی در حوزه مطالعات قرآنی شکل بگیرد و این انس و عادت، این رویه، این روال، این طرز کار، ساری و جاری بشود در مطالعات اسلامی و مطالعات قرآنی؛ که همه مطالعات قرآنی به‌گونه‌ای متوجه باشد و توجه داشته باشد به این منشور فرهنگ قرآنی. هر جا درباره قرآن در هر موضوعی از موضوعات قرآنی، در تفسیر هر سوره‌ای از سوره‌های مبارکه قرآن و کلاً در تفسیر و در حوزه‌هایی که به نحوی تفسیر قرآن‌اند که دامنه‌شان خیلی وسیع است، حتی دامنه‌شان در علوم و فنون و تجربه‌های بشری هم به صورت بین رشته‌ای و با قرآن‌آشنایی گسترده می‌شود،

گاهنامه فرهنگی هنری

صدای سخن دوست

(روابط عمومی کانون زبان قرآن)

در همه اینها اثرگذاری این پژوهش بنیادی این باشد که همگان همواره توجه به این پایه و اساس فرهنگ قرآنی و این راهبردها و اصول اصلی داشته باشند که چه‌بسا از بسیاری انحرافات ناخواسته محفوظ بمانند، در امان بمانند و صراط مستقیم مطالعه در قرآن کریم را گم نکنند. صراط‌الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین. قالبی که بالاخره من انتخاب کردم و پسندیدم برای ارائه امروز، در نظر گرفتن ۲۲ سوره پایانی قرآن است در شکل و در قالب ۱۱ تا زوج سوره؛ که ما به این نحو در سوره‌های پایانی

قرار بگیرد و بارها و بارها نقد و بررسی شود تا آن‌گونه که باید و شاید به آن‌حای مختلف و به هر حال هدف این پژوهش که عبارت از نشان دادن راهبردها و اصول اصلی و اساسی فرهنگ قرآن در این ۲۲ سوره است، تحقق پیدا کند. علاوه بر نقدپذیری، این پژوهش یک پژوهش بنیادی است؛ در همین وضعیتی که عرضه می‌شود، جنبه‌های لازم را برای یک پژوهش بنیادی خواهد داشت. در نقدهایی که از آن صورت بگیرد، چه‌بسا این ظرفیت بالا برود و این پژوهش بنیادی برای این است که پژوهش‌های متعدد و متنوع

قرآن، از ناس به ضحی، ولی به صورت زوج زوج سیر بکنیم. همینجا برای اینکه مبادا بعداً فرصت نشود یا فراموش بشود، تذکر می‌دهیم که مطابق بحث‌ها و راهبردها و همچنین راهکارهای سوره‌شناسی در کتاب سوره‌شناسی، سوره‌های مجاور را هم باید دائم، چه من، چه شماها، من به عنوان ارائه کننده پژوهش و شما به عنوان مخاطب و استفاده کننده از این پژوهش دائم در نظر داشته باشیم، از نظر دور نداریم سوره‌های مجاور را، ولی ما تأکید را در این ارائه می‌گذاریم روی زوج سوره‌ها: فلق و ناس، تبت و قل هو الله احد؛ کافرون و نصر؛ ماعون و کوثر؛ فیل و قریش؛ عصر و همزه؛ قارعه و تکاثر؛ زلزله و عادیات؛ قدر و بینه؛ تین و علق؛ ضحی و الم شرح.

شاخص‌ها و راهبردها و اصول اصلی در این ۲۲ سوره، در یادداشت‌های من به ۲۳ تا رسیدند، ممکن است بیشتر بشوند، کمتر بشوند، و در نقدهای بعدی باز ممکن است تعدادشان افزایش پیدا کند یا احياناً کمتر بشود؛ اینها ضرری به اصل مطلب نمی‌زند؛ اینها دیگر ویتترین و صورت کار است. اصل و اساس این کار است که باید انجام بشود و می‌بایسته است که انجام می‌شده است و بسیار تأخیر پیدا کرده؛ اگر احياناً هم در سال‌های قبل و زمانه‌ها و زمینه‌های قبلی به آن پرداختیم، به این صورت مسجل و تدوین شده یا نزدیک و درحال تدوین امروز، به آن پرداختیم. بیش از اینها جا دارد که مورد توجه قرار بگیرد؛ همینجا هم عرض می‌کنم انشاءالله امیدواریم در فاصله نه‌چندان دوری مسیر خودش را پیدا کند و به کتاب منشور فرهنگ قرآنی هم بینجامد.

(برگرفته از مقدمه ۳۶مین سمینار علمی با موضوع «منشور فرهنگ قرآنی» با ارائه دکتر محمدعلی لسانی فشارکی)

شماره پنج - مورخه ۶ اسفندماه ۱۴۰۲ مطابق با

نیمه شعبان المعظم ۱۴۴۵ - ۲۵ فوریه ۲۰۲۴

شفا باذن الله

شفا باذن الله می‌تواند اسباب سه‌گانه‌ای داشته باشد. یک سری از این اسباب، اسباب مادی هستند؛ مثل دارو، تغذیه و اعمال یدایی و امثال اینها. دوّم، اسباب روانشناختی و معنوی؛ مثل تلقین، روحیه دادن به بیمار، استدلال کردن برای بیمار، توجّه دادن او به این نکته‌ها و امثال اینها. و اما سوّم، اسباب ماوراء طبیعی ... شفا یافتن‌هایی که خارج از آن دو مورد قبلی است؛ یعنی اسباب مادی، اسباب معنوی و روانشناختی به کنار؛ با توسّلات، هر روز در یک گوشه‌ای از دنیا، بارها در حرم مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام)، در فلان کلیسا در اسپانیا، در جای دیگر در قالب توسّلاتی که اتفاق می‌افتد، بعضی از بیماران برخلاف روند ظاهری درمان بیماری شفا پیدا می‌کنند ... یعنی پروردگار در مقام پروردگاری خود و ربوبیت خود گاهی اراده می‌کند که یک بیماری را که توسّل جُسته یا توسّلی هم نجسته، آنگونه که حکمت او اقتضا می‌کند، بیمار را شفا دهد ... وقتی که این اسباب وارد عمل می‌شوند، بیماری به طرف سلامت سوق داده می‌شود و بیمار شفا پیدا می‌کند. گاهی ممکن است از اسباب سه‌گانه‌ای که اشاره کردم، از مجموعه اینها یا از دو تای اینها استفاده بشود ... ولی شفا باذن الله است؛ کار، کار خدایی است؛ آن کسی که در دارو اثر را نهاده است، پروردگار است؛ همان کسی که در زمانی که اقتضا نکند، آن دارو اثر نخواهد کرد.

«برگرفته از کتاب «تدابیر نفسانی و معنوی در پیشگیری، درمان بیماری‌ها و ارتقاء سلامت»؛ دکتر محمد مهدی اصفهانی؛ بکوشش: صدیقه اسحاقی»

قبسی

الرحمن. علم القرآن. خلق الانسان. علمه البيان.
از آیات ابتدایی سوره رحمان و تقدیم و تأخیر آن می‌توان به این حقیقت پی برد که مسئله آموزش قرآن و تعلیم آن پیش از خلقت انسان مطرح شده، گویا انسان خلق شده تا قرآن بیاموزد، و هدفی جز این در خلقت او در نظر گرفته نشده است. اگر قرار است انسان بیاید و قرآن بیاموزد، می‌آید که چه کند؟ اگر قرار است قرآن، این عصاره هستی را از خدای رحمان فرا گیرد، دیگر می‌تواند چه محتوایی را و با چه آموزگارانی طی کند؟ در آسمان وجودی او باید آیات قرآن بسان ستارگانی پرنور بدرخشند و اگر این آسمان ستاره‌ای نداشته باشد، در ظلمت جهل و نادانی فرو خواهد رفت و همچون بوته خاری در بیابان هستی آواره خواهد بود. دیگر هر نسیمی به خود جرئت خواهد داد تا او را بازیچه خویش کند و سر از بیراهه‌ها و پرتگاه‌ها درآورد. مهر خدای رحمان کجا و سیلی طوفان کجا؟

همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشست

«تهیه و تنظیم: فاطمه آذرخش»

سخن تازه

تو خسرو بیانی و شیرین بیان توست
شیرین‌تر از بیان تو لطف نهان توست
آموختم هرآنچه من آموختم ز تو
دانسته‌ها و یافته‌هایم از آن توست

«موفق اصفهانی»

علم رسم المصحف

متن زیر برداشتی آزاد از نهمین کارگاه آموزشی پژوهشی علوم قرآنی با موضوع «علم رسم المصحف» است که در تاریخ ۲۱ دیماه ۱۴۰۲ در کانون زبان قرآن برگزار گردید.
شب قدر: شب قدر دوران طلایی آموزش در سنین کودکی هر فرد است. نزول شفاهی قرآن در شب قدر اتفاق افتاده است. این دوران، یک شب آن معادل هزار ماه در بزرگسالی است. شب بودن اشاره به دوران کمپلس بودنش دارد؛ این شب لحظه لحظه اش سلامتی و غنیمت است تا لحظه صبح. این قرآن است که در دوران قدر هر فرد جامعه آموخته می‌شود.
قرآن و مصحف: مصحف، کتابت است و مربوط به بزرگسالی است و بعد از کودکی می‌آید. نگارش و گرافیک قرآن، میراث قدیمی و باستانی و هویتی قرآن است که برای تک‌تک مردم اهمیت تمدنی و تاریخی دارد. نسبت قرآن و مصحف نسبت قدرت نرم و قدرت سخت شناختی است. تبلیغ و آموزش قرآن ابتدا باید با فضای قرآن باشد، نه از همان ابتدا با مصحف و آن هم با کلّ مصحف. فضای تمدنی، فضای تنفسی جامعه است که

بسیار جلوتر از فضای کتاب و مصحف حرکت می‌کند. قرار نیست همه قرآن را از مصحف بخوانند. مصحف مال کسانی است که ابتدا قرآن را شنیده و آموخته‌اند. **میوه و هسته آن:** پس آنهایی هم که می‌خواهند تازه با این جامعه-تمدن آشنا شوند ابتدا با آدم‌های زنده این جامعه و با زبان شفاهی و زبان فرهنگی آنها آشنا می‌شوند و هر چه بیشتر در این جامعه حل می‌شوند و به هسته سخت آن جامعه نزدیک می‌شوند به کتاب که هسته سخت تمدنی آن جامعه است نزدیک می‌شوند. قرار نیست (کار درستی هم نیست) که فرد غریبه‌ای که تازه با فرهنگ نرم اسلام آشنا شده را رهنمون شویم به استخوان جامعه. اما نسبت آسان‌گیری قرائت و تلاوت و مذاکره «قرآن» با سختگیری و دقت و وسواس در کتابت مصحف همان ظرفیت‌سازی برای گسترش فرهنگ قرآن در اقصا نقاط جامعه است. از یک سو، هویت تصویری و نگارشی مصحف با دقت حفظ می‌شود و از سوی دیگر، آزادی حداکثری برای قرائت آن صورت‌های کتبی گرافیکی با انواع لهجه‌ها و صداها فراهم می‌شود. این نگاره‌ها الفبای مشترک یک تمدن عظیم زنده و زاینده و بالنده است که در عین حفظ ارتباط شرق و غرب آن، امکان قرائت و خوانش آن بر اساس لهجه هر منطقه و گوشه این تمدن وجود دارد. هر فرد ضمن داشتن استقلال شفاهی، ارتباط خود را با یک تمدن بزرگ حفظ می‌کند. مصحف جامعه اسلامی به دست متخصصی ماهر پایه ریزی شده و قدرت تولید لایه‌های معنایی برای اعصار و قرون بعد تا ابد را دارد. اما افرادی به این هسته رسیده اند که از لایه فریه فرهنگ عبور کرده‌اند و در این مسیر، اعتقاد به ضرورت وجود چنین هسته‌ای جهت حفظ چنین تمدنی در وجودشان نهادینه شده و آنها مغز متفکر و مفسران واقعی این مصحف هستند. در عین حال که تک تک افراد بهره خود را از فضای قرآنی این جامعه می‌برد و هرگز احساس رانده‌شدگی از حوزه فهم قرآن نمی‌کند.

«تهیه و تنظیم: مصطفی رزاقی»